

مبانی و قواعد شناخت امنیت در اسلام

پژوهش علمی

اشاره: تلاش علمی و جستجوی مفاهیم و اصول مورد تاکید در دین منبئ اسلام در موضوعات حاکم بر حیات و تکامل انسان در جهان خلقت و محیط اجتماعی وی از جمله حوزه های مورد دقت و پرجاش در ادبیات علوم اسلامی و انسانی در مراکز علمی کشور های جهان اسلام و محیط اندیشگی بوده که در برخی مواقع به رشد و تعالی نظرات و در برخی مواقع به واسطه ضعف و آسیب های حاکم و بستر های تجزیه و تحلیل این مفاهیم به التقاط و انحراف منجر گردیده است. دانشگاه عالی دفاع ملی به واسطه مسؤلیت آموزش و تربیت مدیران ارشد نظام مقدس ج.ا.ا بر خود فرض می داند که از این رویکرد در راستاء ارتقاء و اتکاء تصمیمات دفاعی و امنیتی کشور بر اختلاف ناب محمدی (ص) بهره برده و زمینه های نفوذ هر چه بیشتر فقه اسلامی را در این زمینه فراهم سازد از این رو در نشستی مشترک به بررسی و تحلیل تحقیق انجام شده از سوی پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی در موضوع امنیت از منظر اسلام که توسط حجة الاسلام جهان بزرگی ارائه شده بود، پرداخت. در این نشست از جناب آقای دکتر هاشمیان فرد دارای دکترای علوم قرآنی نیز دعوت بعمل آمد تا نسبت به تصحیح روند نشست و انطباق آن با ارزشهای ناب اسلامی دقت به عمل آورد. در ابتداء خلاصه ای از طرح ارائه شده توسط حجة الاسلام جهان بزرگی در جمع حاضران مطرح و سپس نقد و ارزیابی ارائه موصوف در قالب میز گردی علمی به بحث نهاده شد.

در آغاز میزگرد امیر دکتر توحیدی به عنوان دبیر نشست توضیحاتی را ارائه و سپس از شرکت کنندگان درخواست نمود که نقطه نظرات خود را بیان نمایند که در شرح ذیل گوشه ای از این نشست به استحضار خوانندگان محترم می رسد.

دکتر عصاریان، عضو هیئت علمی و دکتری امنیت ملی: در بحث های اسلامی بعضی چیزها ارزش اصالتی دارند، بعضی چیزها ارزش عرضی دارند. آنهایی که ارزش اصالتی دارند جزو حقوق و مبانی است. آنهایی که ارزش عرضی دارند، جزو ضروریات است و ساز و کار محسوب می شوند. یعنی ارزش ثانوی محسوب می گردد. در جامعه اسلامی بعضی چیزها جزو حقوق جامعه دینی است و اصالتی است. بعضی چیزها جزو وظایف و لازمه ضروریات و عرضه است. یعنی ابزارهایی است که در جامعه باید تحقق بخشید یا جامعه به تحققش کمک کند. به طور مثال آیا می توانیم مشروعی سیاسی را مبناي امنیت سیاسی حکومت و مشروع رهبران بدانیم؟ آیا این مشروعیت خودش جزو حق حکومت است؟ یعنی آیا حکومت باید از این حق برخوردار باشد؟ ولی این جامعه است که سازکار اعطا و ارزش امنیتی را تعیین می کند. بحث بعد ما کارکردهای امنیت است. ایشان انواع امنیت را آمده تعریف کرده ولی چیزی به عنوان کارکرد نداریم. یعنی حتی مؤلفه هایی که تعریف کرده ما نمی توانیم بدانیم که آیا این مؤلفه ها جزو مبانی امنیت است یا نه؟ چون استفاده از یک سری مفاهیم مانند پنهان پژوهی، ضد پنهان پژوهی، عملیات ویژه، براندازی، ضد براندازی، حفاظت، منابع طبیعی مواد خام نمی توانند بیانگر امنیت باشند.

اگر گفته شود در جامعه ای رفاه باشد امنیت هم ایجاد می شود. مثلاً باید این جواری نیز بگویم اگر امنیت ایجاد شود به دنبال آن رضایت، اعتماد، عدم تجاوز، عدم فقر ایجاد می شود، اینها کارکردهای امنیت است. یعنی اگر این رفاه مبنا قرار بگیرد کارکرد جامعه چه می شود؟ آیا کارکرد جامعه عدم سرقت و عدم دزدی می شود اگر شد این کارکرد امنیت است، اما هدف امنیت در نظام سیاسی اسلام چیست؟ آن چیزی که در قرآن بیان شود که هدف امنیت آن است که شما مؤمن باشید، ایمان آورید تا به تکامل برسید، در مقابل دشمن مقاوم شوید آیا اینها هدف امنیت است. البته این را در جای جای تحقیق های اسلامی می بینید. ولی آن قدر پراکنده دسته بندی شده که نمی توان آن را به راحتی جمع کرد. والا همه اینهایی که من می گویم نشان دهنده این که این فرد غور زیادی کرده، یعنی رفته فیش نوشته است، و مطلب جمع کرده. به تعبیری در دسته بندی نتوانسته اند تفاوت بین هدف، سازکار، کارکرد، مبانی، اصول و مؤلفه ها را از هم تفکیک کند و این ها را بیاید بچیند کنار همدیگر درحالی که با کمی غور در فقه اسلامی و تکیه بر متخصصین این علم می توان این مشکل را رفع کرد که هدف از امنیت

در اسلام چیست؟ و کجا می توانید مؤلفه های امنیت را در اسلام ببینید. ولی اگر این مقامات واجب را از قرآن و متون اسلامی استخراج نکرده و سریع برویم سراغ مدیریت منابع در اسلام به نوعی دچار تفسیر عملگرایانه و یکسویه شده ایم

یعنی باید نتیجه بگیریم شما اگر رفاه ایجاد نکنی امنیت نمی توانید داشته باشید. می شود قبول کرد از مبانی امنیت یکی اش رفاه است. می شود این را قبول کرد. چرا که ما الان یکی از مسائلی که در علم سیاست بحث می شود دولت رفاه و توسعه اقتصادی است که علت عدم امنیت در کشورهای جهان سوم عدم وجود توسعه است. که سوء سیاست اقتصادی را در جامعه با انواع مختلفش می بینیم، لذا امنیت در اصل توسعه اقتصادی آبادانی است و بس.

ولی آیا آن چیزی که در قرآن کریم از امنیت آمده است همه اتکایش این است. شاید یک ناقص آن در رابطه با انسجام ثبات داخلی باشد. در بخشی از تأکید حضرت امیر(ع) آمده است که ایشان گفتند که اگر در بین مسلمین شکاف ایجاد شود نعمت های فراوان، شیرینی را از آنها بر می گیرد. آیا این نعمت ها همان امنیت اقتصادی است و یا چیز دیگری است؟

آیا اگر بخواهیم در جامعیت این نگاه تردید ایجاد کنیم می توان گفت چرا سلامتی مورد توجه نبوده است. تردید ایجاد کنم. در حالی که در خیلی از احادیث و روایات که تأکید شده همیشه امنیت و سلامتی در کنار هم هستند. اکنون امروز جز آن است که در غرب الگوهای تولید امنیت سلامتی است. ولی تقریب امنیت و سلامت در اسلام بُعد مادی آن است؟ پس مفاهیمی مانند سلامت روانی، سلامت اجتماعی، سلامت اداری و... از منظر اسلام دور مانده است؟ آیا می توان به این سادگی اظهار نظر کرد؟

ضمن این که به نظر می رسد جامعیت اسلام در موضوع امنیت مورد بی مهری قرار گرفته است. اگر در این نگاه امنیت در اسلام فقط در امنیت ملی ببینیم آیا قرآن اساس را قرارداد و استغالیایی گذاشته است پس فرد، جامعه، امت، انسان، مومن و... کجا جای دارند؟ وقتی از امنیت فردی می گوئیم یک مقدمات دیگر به عنوان مبانی می آید، وقتی امنیت گروهی می گوئیم یک مباحث دیگری می آید، چیزهایی به عنوان مبانی اش می آید. وقتی امنیت گروهی می گوئیم یک چیزهایی می آید البته وقتی می آید. وقتی امنیت ملی را می گوئیم یک چیز دیگر می آید. اگر صحبت ما روی امنیت ملی می چرخد که می چرخد. یعنی ما اصلاً

هدفمان از این تحقیق این بود که امنیت های فردی و گروهی را تشخیص بدهیم. دنبال این بودیم که امنیت ملی را رویش کار کنیم.

اگر حالا امنیت ملی را ذکر کرده باید کنار آن نیز بگویم امنیت از منظر نظام سیاسی اسلام چیست؟ یعنی باید بگویم آقا در نظریه امنیتی اسلام، امنیت فرد چه جایگاهی دارد؟ امنیت گروهی، امنیت اجتماعی، امنیت ملی، امنیت در نظام بین الملل یا امنیت خارجی چیست؟ اینها در نظریه سیاسی اسلام منجر به چه حوزه ای از قدرت می شود، آیا هدایت محور است. اینها هر کدام شقوقش چیست؟ حدودش چیست؟ گستره و عمقش چیست؟ میزان امنیت و امنیت سنجی اش کدام است؟ مثلاً یک موقع شما می خواهید سنجه های امنیت دینی را از منظر فرد، امنیت فردی را از منظر دین بیاورید. در آنجا حوزه های سنجش شما فرق می کند. مؤلفه های شما می شود آزادی، اختیار، تمکین، پذیرش حدود و... حال باید دید این مؤلفه در تعامل با یک حوزه دیگر هم چون امنیت دولت یا امنیت حکومت از منظر دین چه قدر می تواند احقاق نمایندگی و یا تفوق بکند برای امنیت فردی.

نکته دیگر این که آیا می تواند روشن تحقیق در امنیت از منظر دین توصیفی - نظری باشد؟ شاید بهتر باشد و شاید بتوانیم بر اساس روشی که در اسلام استقرار یافته است یعنی چهار منبع را که فقها مبنای بررسی قرار داده و از آن حقیقت احکام را استخراج می کنند به عنوان روش برگزیده.

امیرتوحیدی، دکتری مدیریت دفاعی و عضو هیئت علمی دانشگاه: بنده یک کاری کردم در کارشناسی ارشدم تحت عنوان مقایسه مؤلفه های یا عوامل، ویژگی ها و صفات مشخصه یک فرمانده خوب در نظام جمهوری اسلامی ایران و در علم یا در تمدن امروز، یا در ارتش های امروز. آدمم الگوهای ارتش های دیگر را گرفتم، بعد اینها را دانه دانه گذاشتم با قرآن و کتاب و سنت و اینها و نهج البلاغه. اینها کدامشان این را تأیید می کند کدامشان این را رد می کند. به نظر من باید اول امنیت را با زبان امروز بشناسیم، بگویم امنیت به زبان امروز این است. حالا باید بگویم این اسلام این امنیت را تأیید می کند یا رد؟ چرا برای این که امنیت چیز خاصی در اسلام نبوده که تعریف خاصی داشته باشد. من بروم بنیادی دنبالش بگردم. به نظر بنده ایشان اگر هم رفته باید تنظیمش کنند در این چارچوب. اول بیاید ابتدا امنیت را به دید تمدن غرب و شرق و علم، علم امروز و علم جدید بشناسد، بگوید امروز چه می گویند.

این تعریف‌ها وجود دارد حالا ما ببینیم چه قدر با اسلام تطبیق می‌کند. اگر با اسلام تطبیق می‌کند پس همه اینها که اسلام گفته ما اکنون انجام می‌دهیم، درست است و اسلامی است. دو تا نکته دیگر هست بگویم و آن هم تفاوت مکاتب امنیت، مکاتب سیاسی و امنیتی غرب و اسلام در این است. آنها بنیان مکاتب سیاسی‌شان را در مفهومی به نام قدرت گذاشتند. ولی در مکتب سیاسی اسلام قدرت اصالت ندارد در عرض قرار می‌گیرد.

دکتر عصاریان نژاد: خداوند انسان را آفرید به او اختیار داد، تا خود راه را انتخاب کند و خود به سمت مسیر صلاح هدایت بشود و همه چیز را هم در اختیار او گذاشت. تا بتواند راه تکامل و هدایت را از میان همه راه‌ها برگزیند و حکومت اسلامی اساس رفتارش جهت دهی به هدایت انسان است، یعنی باید شرایطی فراهم کند تا هدایت بشود. اصلاً توان اقتصادی برای هدایت است، اخلاق اجتماعی برای هدایت است. همه چیز را خداوند گذاشته برای هدایت، نه قدرت. چون قدرت نفوق می‌آورد تفوق کشاکش دارد. هدایت خدمتگذاری می‌آورد. یعنی انسان‌ها برای دیگر انسان‌ها باید خدمت بکنند، دولت خدمت کند به انسان، جامعه خدمت کند به انسان، اخلاق خدمت کند به انسان. من مکتب سیاسی هدایت را که بر اساس آن ما انمه(ع) را ارائه می‌گوییم و درست هم هست؛ در مقابل مکتب سیاسی قدرت که بعد سیاسی اندیشه لیبرالیسم است، می‌دانم. همه اندیشه‌هایی که امروز در دنیا شکل گرفته از رئالیسم و نئورئالیسم و لیبرالیسم و کپنهاک و همه اینها مکتب سیاسی‌شان قدرت است همه چیز در قدرت انسان است. البته برخی مکاتب اجتماعی هم هستند. مثل مکاتب پساساختاری و پست مدرنیسم که مدعی اند با تجمع قدرت مخالفند و نهاد گرایی یا تعامل گرایی اما آنها هم در عمل در خدمت قدرت مداری انسان مادی هستند و تنها مکتب سیاسی اسلام است که اساسش بر روی هدایت است. این کشف خوبی است ولی این کشف باید به ما کمک کند تا همه مؤلفه‌های در خدمت انسان را خدا محور تفسیر کنیم.

دکتر نصرآبادی، زاده، جامعه‌شناس سیاسی و پژوهشگر ارشد دانشگاه: من دو تا کتابی هم که خواندم اینجا ذکر می‌کنم می‌خواهم برسم به یک سری پیشنهادهای کاربردی که کار جلو برود. یک کتاب هست «صد سال تنهایی» نوشته «گابریل گارسیا مارکز» که من دو سه بار خواندم. یک کتاب هست مثلاً مثل «ادبیات چیست» نوشته «ژان پل سارتر» آن هم کتاب است. ولی وقتی این را می‌خوانی احساس می‌کنی که خوب یک فردی است این فرد یک

ادیب برجسته ای است که حالا خیلی کار کرده و یک سری نقطه نظرات را در آن کتاب به شما اعلام می کند. آن ادبیات چیست را که شما می خوانید آن هم متفکر است. من فکر می کنم به این شکل با این پیش زمینه اگر نگاه کنیم درد این ارائه را می فهمیم. یعنی چون این نظام یافته و نظامند و منظم جلو نرفته و چون وجوه پژوهشی اش خیلی ضعیف است برای همین است که این جوری شده. یعنی بیشتر یک کشکولی از نقطه نظرات مختلف شده حتی شکلس. در این ارائه چون یک جاهایی اول آمده اید گفته که این چیزهای شرقی چیست؟ غربی چیست؟ بعد وسط های ارائه می آیند مثلاً از قول این اندیشمند غربی از آن کتاب غربی و... استاد می کنند یا از همان اول ما جامعه شناسی داریم تحت عنوان آیدیال تایپ که شما اشاره کردید حالا یک چیزی به اصطلاح دیدگاه هایی را مطرح می کرد همان چیزی که من گفتم در کتاب سارتر هست.

به مؤلفه امنیت پردازم، نکته ای که این ارائه دارد می گوید مؤلفه ها مجموعه ای از نهادها و سازکارهایی است که نظام سیاسی اسلام جهت برپایی امنیت پیشنهاد می دهد. این گفته هدف اصلی است هدف دومش چیست؟ تولید یک معرفت، معرفت درجه اول یا تولید علم بنیادی بودنش است. یعنی خودش در واقع خود را مغلوب کرده یعنی اول آمده گفته من بحشم این است، بعد هم در واقع دارم تولید علم می کنم. نمی دانم یعنی واقعاً یک شکل و قواره خوبی ندارد و اکثرش به نظر من می گویند نومیالیستی می شوند نام است اسم. این اسم این جوری این تقسیم بندی ها یعنی تو محتوا خیلی نیست امنیت این است، آن امنیت است، نظامی این است، این چیست؟ بیشتر با اسامی کرده کار کرده است؟.

در دنیای جدید رسم است که هر چیزی که شکل گرفت می شود مکتب چه کسی چنین چیزی را گفته است؟ ما دیدگاه داریم، تئوری داریم، پارادایم داریم، رویکرد داریم، رهیافت داریم، لزوماً مکتب نمی شود. ممکن است بگوییم آقا این جهت گیری است همین جا چهار خط بالاتر آورده گفتار مکتب اسلام آورده شود تحقیقی نیست.

دکتر هاشمیان فرد، دکتری علوم قرآنی و عضو هیئت علمی دانشگاه: من هم قبول می کنم که اصل در هدایت است آن هم برای آن که خداوند اصلاً پیامبران را برای این می فرستد. شکی در آن نیست. اصل هدایت است. اما آیا فقط بر اساس هدایت می توانیم ایجاد امنیت بکنیم نه نمی توانیم.

اما مواردی که دربارهٔ قدرتی که اینجا فرمودید یک مطلبی یاد آمد. که یعنی از نظر دین، آیات قرآن و روایات آن چیزی که قابل فهم است آن است که قدرت از نظر دین فقط و فقط برای خدمت کردن به مردم است. اینجا یعنی مصادیق با ارزش آن فرازی از دعای کمیل است. حضرت علی (ع) می فرمایند: "یا رب یارب یا رب قو علی خدمتک جوارحی" این مصداق با ارزش است از نظر دین قدرت برای خدمت کردن است. اما اگر خدمتی در کار نباشد همین که ایشان نوشته و کاملاً خوب است مکتب هدایت. آن هم مصداق این آیه است آیه ۸۳ سوره قصص می فرماید: آن خانه آخرت را، آن سرای آخرت را برای کسانی قرار می دهیم که در روی زمین اراده برتری جویی و فساد نکنند و عاقبت نیکو از آن آدمهای با تقواست. یعنی این صحبتی که شد این آیه یاد آمد، که یعنی از نظر این دین قدرت طلبی و غیره فقط در راه خدمت و به منظور خدمت سزاوار است. در غیر از این مذموم است که صریح قرآن است.

دکتر نصر... زاده: شما ببینید قدرت فردی است در این بحث می خواهم خودم روشن بشوم. ما بیشتر قدرت فردی را حتی در نظام سیاسی امروز جهان هم نمی می کنیم. که حکومت ها را چرا از استبدادی خارج کردند و به سمت در حقیقت دموکراسی غربی و لیبرالیسم و جمهوری و که الان بحث های مختلف هست ایجاد حزب کردند، حزب برای چه به وجود آمد؟ برای این که قدرت فردی دیگر نباشد. اصلاً اساس جامعه شناسی براساس همین است. انتقال قدرت از فرد به جامعه است. اما آیا، بحث این است که این قدرت جامعه هم بد است؟ حالا اینجا یک بحث هست که اگر این جامعه بخواهد قدرتش را در حدی برساند که باز جامعه برتر نسبت به جوامع دیگر باشد با همین استدلالی که شما فرمودید نه رد است. اما اگر این استدلال برطرف بشود اینجاست که باید مقایسه تطبیقی کنید اما قدرت برای این باشد که شما بروید دنبال ماجرا بگردید. نظام جمهوری اسلامی ایران می گوید من قدرتمند باشم تا این که چه کار کنم تا این که دین اسلام را در سراسر جهان به آن آرمان واقعی برسانم. بنده حرفم همین است ایشان باید قدرت را از دید جامعه شناسی تحلیل کنند، بعدش در دید حکومت تعریف کنند، بگویند که خوب این قدرت از نظر جامعه خارج شده حالا نقشش در حکومت چیست؟ امنیت را از دید جامعه شناسی سیاسی بیشتر بحث قدرت می کنیم از دید امنیت ملی. این دو تا را که خیلی به هم نزدیک هستند تعریف می کنیم و طرح را بگذاریم در اختیار یک محقق. حالا شما اینها را با دین اسلام نقد کنید. این می شود نتیجه

تحلیل توصیفی برای این کار که نتیجه خوبی هم می دهد. چون ما همه اینها را برایش تعریف می کنیم بعد می گوییم «آزمون کن ببین» درست است یا نه؟ ایشان باید همین کار را می کرد یعنی شخصا معتمد ایشان که کاملاً از اول یک هدایتی باید می شد.

دکتر هاشمیان فرد: من این را هم عرض کنم در این رابطه که فرمودید که قدرت جمعی نا گفته هم نماند در آیات قرآن فراوان داریم؛ قرآن نمونه های مختلف را می آورد که به قدرت فردی هم بها می دهد. مثل ذوالقرنین، داود (ع) و سلیمان (ع) یعنی آن طور که من می فهمم همان طور که اول عرض کردم، یعنی فقط و فقط برای خدمت یا بگوئیم که حالا چه خدمت در سطح جامعه چه بگوئیم خدمت در سطح ملی. مثل مصداق این آیه قرآنی که درباره پیامبر می فرماید درباره پیامبر و اصحاب پیامبر می فرماید نسبت به کفار بسیار سخت بگیر و با این حال در میان خود بسیار مهربان باشید و اما می خواستم این را تأکید کنم که از نظر این آیات قرآن و مجموعه روایاتی که بر می آید. قرآن به این شکل که شما می گوئید تأیید نمی کند، گاهی ممکن است یک نفر قدرت داشته مثل ذوالقرنین پیامبر هم نبود، خداوند به او قدرت داد و هیچ مشکلی هم نداشته گاهی هم ممکن است به صورت جمعی باشد، مثل جامعه اسلامی که خداوند برای قدرت جمعی از او تقدیر می کند.

جناب عبدا... خانی، کارشناس ارشد امنیت ملی و رئیس مرکز تحقیقاتی ابرار معاصر: در علوم مختلف خصوصاً علمی که از جهت معرفت شناسی مبنای گرای را در واقع در حوزه شناخت اساس قرار گرفت باید سه رویکرد داشته باشیم یک رویکرد مبنای گرای، دوم بحث انسجام گرای و سوم زمینه گرای هست. کلاً فقهای ما، در واقع مطالعات اسلامی کسانی که در این حوزه ها مطالعه کردند مبانی شناخت در واقع روی شناختشان را مبنای گرای قرار دادند. همین که مثلاً در فقه، قواعد مختلف، قاعده مثل ناظرات وقاعده عدالت، قاعده های لطف، قواعد مختلفی است؛ بعد بر اساس این شروع می کنند مسائل مختلف روز را تحلیل می کنند بر اساس این قواعد آیا این مسئله به چه شکلی باشد درست است. تحلیل می کنند مسائل مختلف را. همیشه دغدغه ذهنی بوده ما امنیت هم یک هم چنین چیزی نیاز دارد یعنی در واقع ایجاد کردند یک مکتب در واقع مکتب معرفتی در باب امنیتی مثلاً مختص جمهوری اسلامی هم باشد. نیاز به این دارد که یک سری در واقع قاعده داشته باشد. قاعده هایی که اثبات نمی شود کرد آن را یعنی قابل اثبات به آن معنا نیست. ما متها باید یک جایی گرفته شود برای ما

بهترین رویکرد، وحی است. آیات و روایات است. خیلی خوب بود یک کسی که تسلط فراوان دارد روی مباحث در واقع فقهی و اسلامی و روی هم به مسائل امنیتی هم دارد می‌آید این قاعده را کار می‌کرد قاعده‌ها هم دو دسته است. یک قاعده که مبناست، مبنای قرار گیرد برای تمام علوم، یک سری هم علوم مختص. مثلاً هندسه پنج اصل اقلیدس را داریم، در هندسه شما می‌بینید هندسه اقلیدسی هر کجا بخواید حرف بزنند پنج اصل را مبنای قرار می‌دهد. تحلیل می‌کند مسائل مختلف را. حالا بعد آمدند هندسه را مثلاً یک مقدار اصولش را جابجا کردند ولی شد مبنای بعد علوم مربوط به آن هم یک سری اصول را برای خودش می‌گذارد اگر ما می‌توانستیم یک سری اصول را برای این قاعده و تحلیل مسائل امنیت، طراحی راهبردهای امنیتی، هر چیزی که در حوزه امنیت داشتیم که در واقع متصل به وحی بوده، این برای هر کسی که در این حوزه کار می‌کند چاره‌ساز بود. این خیلی کار سختی است از عهده هر کسی هم بر نمی‌آید. ولی لازمه اش این است که ما در این حوزه دو بتوانیم تا سه تا قاعده ایجاد کنیم. مثلاً به نظرم می‌رسد همین قاعده عدالت که اکنون جز قواعد اسلام است و در خیلی چیزها از آن استفاده می‌کنند. اتفاقاً یک قاعده است که در امنیت خیلی کاربرد دارد. مثلاً می‌شود در امنیت بر این اساس تحلیل کرد. همین قاعده عدالت را یک مقدار کار می‌کردند، با این جنبه‌ها خیلی خوب بود. اگر همین قواعد لا ضرر و لا ضرار را کار می‌کردند با این جنبه‌های امنیتی اش به آن می‌پرداختند، شاید قواعد دیگری هم بود که می‌توانست در این زمینه مورد استفاده قرار بگیرد. خیلی سخت است ولی به نظرم از آنها کارهای ارزشمند و ماندنی هستند که ما خیلی جاها که گیر می‌کردیم روی مسائلمان واقعاً چون یک کشوری هستیم که بالاخره حتماً باید مبنای ایدئولوژیک مان را رعایت کنیم. نباید با شرع و مسائلمان در تضاد باشد. خیلی جاها اگر در مسائل امنیتی گیر کنیم. این قاعده‌ها راه‌گشا هم است. یک رویکرد دیگری هم این بود که به سطح پدیده‌ها و مسائل عینی نزدیک‌تر شویم، مثلاً برای ما در امنیت وقتی می‌خواهید شناخت پیدا کنید چند تا محور اساسی که می‌تواند در واقع کد راهبردی برای مطالعات امنیتی باشد. مرجع امنیت است که کد راهبردی و مطالعات امنیتی است. حداقل مثلاً باید بگوییم مرجع امنیت در اسلام ما شش یا هفت تا فرضیه می‌توانیم مطرح کنیم آن وقت با توانمندی می‌توانیم بگوییم مرجع امنیت فرداست، یا جامعه است، یا دولت است، یا امت است. یعنی وقتی داریم مطالعه می‌کنیم مطالعه این جور می‌کنیم، امت

را به عنوان مرجع امنیت بیاوریم. اگر می‌خواهیم فرضیه‌ها را مبنا قرار دهیم اسلام کدام فرضیه را بیشتر تأیید می‌کند، کدام فرضیه را بیشتر طرد می‌کند؟ این خیلی خوب بود مثلاً سطح امنیت چه باشد مثلاً سطح امنیت با توجه به همین آموزه‌های اسلامی، باید ملی به معنای ملیت باشد؟ باید دارالاسلام باشد؟ باید مثلاً بین المللی باشد؟ باید چه باشد؟ باید فرد باشد سطح امنیت؟ یعنی ما مبنای فردی بگیریم این باز هم خیلی کمک می‌کند. در روی بحث مثلاً رابطه امنیت با دیگر مفاهیم راهبردی. ما چند مفهوم اساسی داریم خیلی کار ساز هستند. امنیت، آزادی عدالت، اینها مفاهیم رفاه، بیاید نسبت مفاهیم از نظر اسلام را بررسی می‌کرد.

دکتر عصارپایان نژاد: آقای جهان بزرگی فرد بسیار قابل است و سالیان سال در حوزه‌های امنیتی کار کرده و با امنیت بیگانه نیست و تحصیلات حوزوی اش در این زمینه است و محقق بسیار پر تلاشی هم هست. بدین معنی که واقعا وقتی کاری به او سپرده شود به نحو احسن تلاش می‌کند که کار را انجام بدهد. شاید هم این مباحث از اول برای ایشان مشخص شده است و نیاز به داده کاوی جدی در قرآن و اسلام دارد که بتواند مباحث این گونه‌ای را پوشش دهد. مطالعات امنیتی به معنای تئوریک خیلی زیاد در مباحث دین انجام نشده است. من فکر می‌کنم اگر با این دو رویکرد به نظرم می‌رسد مناسب تر باشد و یک نتیجه رضایت بخش را بدهد.

امیر دکتر توحیدی: متشکرم حالا اگر اجازه بفرمایید جلسه را جمع بندی کنیم. من معتقدم که این جوری به مشکل بر می‌خوریم. خواسته ایم که جستجو کنیم اصلا مفهوم امنیت در قرآن یعنی چه؟ یک بخشی اش همین صحبتی است که آقای خانی اشاره کردند. یک سری مفاهیم بنیادی داریم دستگاهش شناخت پدیده را شکل می‌دهد. مثل مرجع امنیت، موضوع امنیت، محمل و ابزار امنیت، اینها دستگاه شناختی پدیده است که در ارائه آن موفق بودند. امیدواریم به گفتمانی که در این جمع صورت گرفت بتوانیم شاهد ارائه محصول منسجم تری باشیم.

از حضور همه آقایان و استادان این جمع تشکر می‌کنم
والسلام علیکم ورحمه الله وبرکاته